



University of Tabriz

Iranian Islamic Period History

Online ISSN: 2717-2902

Volum: 15 Issue: 39
Summer 2024

Pages: 131-154

Article Type: Research Article

DOI: 10.22034/JIIPH.2023.55643.2416

Received: 2023/03/01 Received in revised form: 2023/04/21 Accepted: 2023/05/15 Published: 2024/06/30

The Backgrounds and Conditions of Expansion of Naqshbandiyya Tariqat in Kurdistan of Iran and Iraq

Naser Sedghi¹| Vali Dinparast²| Rezvan Aref Abbas³

Abstract

One of the Sufi Tariqats in Islam is the Naqshbandi Tariqat. Bahauddin Muhammad Naqshband Bukharai is considered the founder of the Naqshbandi Tariqat. The origin of the Naqshbandi Tariqat dates back to Khorasan in the 8th century AH. As this Tariqat spread from Khorasan to Iraq and Azerbaijan, Kurdistan gradually became one of the regions where the Naqshbandi Tariqat propagated and expanded from the 12th century AH. This research investigates the causes and methods behind the expansion of the Naqshbandiyya in Kurdistan. The study adopts a descriptive-analytical approach and seeks to answer the question: What factors contributed to the expansion of the Naqshbandiyya in the Kurdistan regions of Iran and Iraq? The research findings indicate that the proselytizing activities of the Naqshbandi Sheikhs, who maintained peaceful relations with the governments, attracted many people to this Sufi order. The Naqshbandi Sheikhs gained acceptance among the people by earning the support of the rulers of Kurdistan and engaging in religious and charitable activities, such as building mosques, establishing monasteries, and assisting the needy and poor. Over time, Sufi monasteries and gathering centers, in addition to their religious functions, began to play political and economic roles in the society of Kurdistan.

Keywords: Iran, Iraq, Kurdistan, Sufism, Naqshbandi Tariqat, Maulana Khaled Naqshbandi, Kurdish families.

1. Professor, University of Tabriz, Iran

2. Associate Professor, University of Tabriz, Iran

3. Ph.D. Candidate in the History of Iran After Islam, University of Tabriz, Iran

(Corresponding Author)

n_sedghi@tabrizu.ac.ir

v.dinparast@tabrizu.ac.ir

raza.wan@yahoo.com

شاپا الکترونیکی: ۲۷۱۷-۲۹۰۲

دوره: ۱۵، شماره: ۳۹

تابستان ۱۴۰۳

صفحات: ۱۳۱-۱۵۴

تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام



دانشگاه تبریز

DOI: 10.22034/JIIPH.2023.55643.2416

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۰ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۲/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۲۵ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۴/۱۰

زمینه‌ها و شرایط گسترش طریقت نقشبندیه در کردستان ایران و عراق

ناصر صدقی^۱ | ولی دین پرست^۲ | رضوان عارف عباسی^۳

چکیده

یکی از طریقت‌های صوفیانه در اسلام، طریقت نقشبندیه است. بهاء‌الدین محمد نقشبند بخارایی را بنیان‌گذار طریقت نقشبندیه دانسته‌اند. آغاز طریقت نقشبندیه مربوط به خراسان قرن هشتم هجری است. با انتقال این طریقت و دعوت آن از خراسان به عراق و آذربایجان، کردستان از جمله مناطقی بود که از سده دوازدهم هجری تدریجاً به یکی از نواحی تبلیغ و رواج طریقت نقشبندیه تبدیل شد. بررسی چگونگی و علل گسترش طریقت نقشبندیه در کردستان موضوع بحث این پژوهش است. روش انجام این پژوهش، توصیفی تحلیلی بوده و درصدد پاسخ به این سؤال است که چه عواملی موجبات گسترش طریقت نقشبندیه در کردستان ایران و عراق شد؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد فعالیت‌های تبلیغی مشایخ نقشبندیه که با حکومت‌ها روابط مسالمت‌آمیز داشتند موجب شد افراد زیادی به این طریقت گرایش پیدا کنند. مشایخ طریقت نقشبندیه توانستند با جلب نظر و حمایت حکام کردستان و انجام فعالیت‌های مذهبی و عام‌المنفعه چون ساختن مسجد، خانقاه و کمک و مساعدت به نیازمندان و فقرا، در میان مردم مقبولیت پیدا کنند، به طوری که در گذر زمان خانقاه‌ها و مراکز تجمع صوفیه، علاوه بر کارکرد دینی و مذهبی، به ایفای نقش سیاسی و اقتصادی در جامعه کردستان پرداختند.

کلیدواژه‌ها: ایران، عراق، کردستان، تصوف، طریقت نقشبندیه، مولانا خالد نقشبندی، خاندان‌های کرد.

۱. n_sedghi@tabrizu.ac.ir

۲. v.dinparast@tabrizu.ac.ir

۳. raza.wan@yahoo.com

۱. استاد دانشگاه تبریز، ایران

۲. دانشیار دانشگاه تبریز، ایران

۳. دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشگاه تبریز، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

نقشبندیان را می‌توان گروهی از صوفیان نامید که زمان پدیدار شدن آن‌ها به قرن هشتم هجری قمری در ماوراءالنهر و خراسان برمی‌گردد. بهاء‌الدین محمد نقشبند بخارایی (۸ قمری)، اهل بخارا در ماوراءالنهر، بنیان‌گذار طریقت نقشبندیه بود. شاگرد وی خواجه بهاء‌الدین در ترویج و تبلیغ آموزه‌های دیگر این طریقت نقش اساسی ایفا نمود. وی با استفاده از افکار و آراء بهاء‌الدین محمد نقشبند و دیگر متصوفه سده‌های هفتم و هشتم قمری مبنای و تعالیم طریقت نقشبندیه را انسجام بخشید و به تبلیغ آن پرداخت. زمان رواج طریقت‌های تصوف در کردستان به‌طور دقیق، مشخص نیست. ظاهراً اولین طریقت رایج در کردستان، طریقه محمد نوربخشی^۱ (۸۶۰ق) بوده که چندان توفیقی در بین مردم کردستان نداشت. طریقت نقشبندیه از دیگر جریان‌های واردشده به کردستان بود که توانست بنا به علل و شرایط خاص در کردستان رواج یابد. پایه‌گذاران و مؤسسان این طریقت در کردستان به‌ترتیب افرادی چون مولانا خالد نقشبندی، (۱۱۹۳ ق)، ابوبهاء ضیاء‌الدین خالد بن احمد بن حسین (۱۲۵۵ق)، خاندان بارزان (شیخ عبدالسلام اول ۱۲۹۶ق)، شیخ کمال حسینی نقشبندی (۱۳۱۵ ق) و شیخ عبیدالله شمزینی (۱۲۴۷ق)، خاندان یوسف برهانی (۱۲۴۳ق)، سادات هم‌مروله (امروله) (سید جلال‌الدین ۱۲۴۳ق)، بودند. بعد از آنکه در اواسط قرن نوزدهم، فرمان‌روایی امیرنشین‌های کُرد در قلعه چوالان و سلیمانیه، هکاری، بادینان، قلعه طارون، اردلان، سنندج، دیواندره، سقز، بانه، سردشت، کامیاران، مریوان، گروس (بیجار)، اسفندآباد (قروه امروزی)، سنقر، اورامان تخت، اورامان لیهون، ژاوه رود، از هم پاشید (شیوا، ۱۳۷۱: ۲۳۸)، منطقه کردستان دچار خلأ سیاسی شد. در چنین شرایطی شیوخ نقشبندیه توانستند در امور سیاسی مردم مداخله کنند. آن‌ها به جهت علایقی که مردم نسبت به مذهب و امور مذهبی داشتند، توانستند با ساخت خانقاه و مسجد و دیگر اقدامات عام‌المنفعه همچون دستگیری از نیازمندان و پناه دادن به فقرا، پایگاه اجتماعی قابل توجهی پیدا کنند.

در ارتباط با طریقت نقشبندیه، پژوهش‌های چندی صورت گرفته که می‌توان به این موارد اشاره نمود: تقی اژه‌ای و غلامعباس صائب، (۱۳۹۸) در مقاله‌ای به «تحلیل نقش آراء

۱. نوربخشیه منشعب از طریقت کبرویه و بر مذهب تشیع بودند (حاجیان‌پور و پیروزان، ۱۳۹۵: ۲۹).

و آثار خواجه محمد پارسا در طریقت نقشبندیه» (ازهای، صائب، ۱۳۹۸: ۶۵-۹۰) پرداخته‌اند. فریدون الهیاری، مرتضی نورائی و علی رسولی، (۱۳۸۸) در مقاله «طریقت و تجارت؛ کارکردهای تجاری نقشبندیه در دوره تیموری» (الهیاری، نورائی و رسولی، ۱۳۸۸: ۱-۴۰)، به فعالیت‌های اقتصادی این طریقت پرداخته‌اند. مصطفی لعل شاطری، (۱۳۹۶) در پژوهشی به «جایگاه موسیقی نزد اقطاب نقشبندیه (مطالعه موردی عبدالرحمان جامی)» (لعل شاطری، ۱۳۹۳: ۹۵-۱۲۳) پرداخته‌است. امین نادری رمضان‌آباد، علی بحرانی‌پور، هوشنگ خسروبیگی، و بهادر قییم، (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «ساختار فرهنگی، هنری و اقتصادی خانقاه‌ها در فرایند رشد مریدان صوفیه ایلخانان ایران» (نادری و دیگران، ۱۳۹۹: ۳۱۷-۳۳۵) به تأثیر عوامل مهم در فرایند گسترش صوفیان در دوره ایلخانان پرداخته‌اند. کیومرث عظیمی، محمدعلی چلونگر، و اصغر منتظرالقائم، (۱۳۹۳) مقاله «طریقت‌های صوفیه؛ عامل همگرایی کردها به تشیع در کردستان از سال ۹۰۷ تا ۱۴۰۰ قمری» (عظیمی، چلونگر و منتظرالقائم، ۱۳۹۳: ۱۷-۴۲) را نوشته‌اند. محسن معصومی، علی آرام‌جو، و سیزدیکاوا ژبیک ساپاریکونا، (۱۳۹۸) مقاله‌ای به‌عنوان «شیوخ نقشبندی و سیاست در دوره تیموری (با تأکید بر عملکرد سیاسی عبیدالله احرار)» (کاظمی بیکی و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۲۷-۱۵۵) را نوشته‌اند. میلاد پرنیانی، ولی دین‌پرست، و منیژه صدری (۱۳۹۸) در مقاله‌ای به «نقش علمای نقشبندیه در امور اجتماعی قرن نهم با تأکید بر مشی دنیاگرایی در عین دنیاگریزی» (پرنیانی، دین‌پرست، صدری، ۱۳۹۸: ۱-۱۸) پرداخته‌اند. جواد شکاری نیری، (۱۳۸۵)، مقاله‌ای تحت عنوان «حرفه نقشبندی، فرقه نقشبندی، نقشبندان عارف، عارفان نقشبند» (شکاری نیری، ۱۳۸۵: ۴۰-۴۶) نوشته‌است. عبدولکه‌ریم موده‌رس، (۱۳۸۹) به تألیف کتاب *بنه‌ماله‌ی زانیاران* پرداخته‌است. با توجه به پیشینه تحقیقات موجود، چگونگی رواج طریقت‌های نقشبندیه در کردستان بررسی نشده و پژوهش حاضر از این نظر می‌تواند اطلاعات تازه‌ای درباره نحوه رواج طریقت نقشبندیه در جامعه کردستان ایران ارائه دهد.

۱. چگونگی نفوذ طریقت نقشبندیه در کردستان

طریقت نقشبندیه مهم‌ترین و بانفوذترین جریان تصوف در قرن نهم هجری به‌خصوص در خراسان و ماوراءالنهر بود. مؤلف *بستان‌السیاحه* در باب سلسله نقشبندیه می‌گوید: «بر

ارباب علم و اصحاب حلم پوشیده نماند که سلسله نقشبندیه منسوب است به شیخ بهاء‌الدین نقشبند بخارائی و آن فرقه را به دو جهت نقشبند گویند: اول آنکه نقشبند قریه‌ای است در یک فرسخی بخارا. چون شیخ بهاء‌الدین در آن قریه بود لهذا بدین اسم شهرت نموده ... دویم، مدار طریقت ایشان به ذکر خفی و مراقبه است و در این دو چیز، جدوجهد تمام به ظهور رسانند و تمام عمر خود را بر این دو چیز صرف گردانند» (شیروانی، ۱۳۱۵: ۴۸۲؛ برومند اعلم و حسن خانی، ۱۳۹۴: ۶). در باب وجه‌تسمیه این فرقه اقوال مختلفی در کتب صوفیه آمده‌است. کتاب *رشحات* در قولی که آن را به صواب نزدیک‌تر دانسته، با ذکر روایتی از بهاء‌الدین نقشبند آورده‌است: «می‌گویند خواجه بهاء‌الدین محمد از کثرت ذکر به مرتبه‌ای رسیده که ذکر تحلیل در قلب وی نقش بسته بود، لاجرم مشهور به نقشبند گردید چنان‌که یکی از بزرگان ایشان به این موضوع اشاره کرده‌است:

«ای برادر در طریق نقشبند ذکر حق را در دل خود نقش بند»

(واعظ کاشانی، ۱۳۴۰: ۳۷)

سلوک تصوف در طریقت نقشبندی، معتدل و میانه‌رو است. پیروی از سنت و حفظ آداب شریعت و دوری از بدعت اساس این طریقت است. حفظ شریعت و پیروی از سنت و توجه به حق در تعالیم نقشبندی مورد تأکید بسیار قرار گرفته‌است. پس از بهاء‌الدین نقشبند در قرن نهم، نقشبندیان بسیار شدند و قدرت یافتند. در این دوره، آنان از خانقاه‌نشینی بیرون آمدند و در امور اجتماعی فعالیت نمودند. در بیشتر حوادث و ماجراهای خراسان، نقشبندیان نقش مهمی داشتند و در اغلب جنگ‌ها و آشوب‌ها و مصالحه‌ها، حضور آن‌ها مشاهده می‌شود (پارسا، ۱۳۵۴: ۱۴).

طریقت نقشبندیه در کردستان از دوره صفویه به بعد رواج پیدا کرد. طریقت‌هایی چون شازلی، نوربخشی، و علوی که آن را شعبه‌ای از طریقت خلوتیه می‌نامند، در کردستان رواج داشتند. طریقتی به نام رفاعی وجود داشته که رهبر آن ابوالوفا تاج‌العارفین بود. مبنا و ریشه طریقت خلوتیه را هم باید مربوط به عارفانی دانست که به زبان ترکی و فارسی صحبت می‌کردند. طریقت تیجانیه را نیز فردی به نام احمد تیجانی اهل الجزایر از یک فرد کردزبان، یاد گرفته‌است. طریقت خواجهگان که بعدها طریقت نقشبندیه، نام گرفت از یک کرد لرزبان

نشئت گرفته‌است (عه‌لی ره‌سول، ۲۰۰۸: ۳۴). تمام شواهدی که بیان کردیم، نشان از آن است که دو طریقت قادریه و نقشبندیه در کردستان وجود داشته‌است. به گفته رشید یاسمی: «امروزه در کردستان این دو طریقت رایج است که مرکز آن‌ها اورامان، مکری، سلیمانیه و شم‌دینان و خرپوت و غیره است» (یاسمی، ۱۳۶۶: ۱۲۴). مناطق و شهرهای کردنشین چون سقر، مریوان، اورامان تخت، کرمانشاه، مهاباد، توپله، بیاره، احمدآباد، باغ کهن، و دورودو از مراکز رواج طریقت نقشبندیه بود.

طریقت نقشبندیه در کردستان عموماً از سده ۱۲ هجری قمری به بعد، با تلاش‌ها و اقدامات ابوبهاء ضیاء‌الدین خالد بن احمد بن حسین رواج یافت. وی یکی از نخستین مبلغان طریقت در کردستان و متعلق به طوایف جاف مکائیل بود (ره ثوف قه زاز، ۱۹۹۸: ۲۱۵) که در سال ۱۱۹۳ق در روستای قره‌داغ از توابع سلیمانیه چشم به جهان گشود (خانی خالدی نقشبندی، ۱۹۹۶: ۶۴۵). وی نسبش را به خلیفه سوم «عثمان ذی‌النورین» می‌رسانید و از نوادگان پیر مکائیل بود که به «شش‌انگشت» شهرت داشت و از اولیای بزرگ زمان خود بود. پیر مکائیل در پیرامون جوانرود کرمانشاه، در روستایی به نام «دودان» در اطراف رودخانه سیروان، سکونت داشت. بعد از فوت وی، نوادگانش به قره‌داغ و سنگاو کوچ کردند (فصیح الحیدری، ۲۰۲۳: ۳۶). قبیله مکائیلی یکی از عشایر جاف بود که در فصل زمستان به قره‌داغ و در تابستان به اورامان ایران رفته و در «قه‌لا خانی» سکونت می‌کردند. مولانا خالد از تیره جاف قبیله میکائیلی برخاسته و بعد از مسافرت‌هایی به شیراز، یزد و اصفهان و فراگیری علوم دینی رایج، به سنج بازگشت و به ارشاد مردم و تبلیغ طریقت نقشبندیه پرداخت. از جمله افرادی که در آنجا به وی تمسک جست، شیخ محمد قسیم مردوخی سنجی بود (همان: ۳۳). ضیاء‌الدین خالد جهت تبلیغ آموزه‌های طریقت نقشبندیه و فراگیری علوم به نواحی مختلف سفر می‌کرد. در یکی از مسافرت‌هایش به هندوستان، با مولانا شیخ عبدالله دهلوی ملاقات داشت و عالمان محقق چون شیخ ولی‌الله دهلوی وی را تقدیس کرده بودند. همچنین افرادی چون مولانا شیخ قادری ثنالله البنی باطی برای دیدار وی به دهلی آمده بودند. وی همچنین در سفری که به بغداد داشت، برای عبدالکریم برزنجی و سپس به ملا صالح و ملا ابراهیم البیاری شعر خواند و کتاب شعری به نام «شرح‌الجلال» را در «تهذیب‌المنطق» به عبدالرحیم الزیاری مشهور به ملازاده تقدیم کرده

بود (واعظ کاشانی، ۱۳۴۰: ۴۹۴). هنگام حضور وی در بغداد، بزرگان برخی طوایف حیدری چون علامه سید صبغۀ‌الله حیدری، علامه سید محمد اسعد صدرالدین حیدری و سید عبیدالله حیدری به دیدارش رفتند. سعید پاشا حاکم عثمانی نیز در این زمان والی بغداد بود و از ابوبهاء ضیاء‌الدین استقبال گرمی نمود و کمک کرد که وی در مدرسه احسانیه بغداد به تبلیغ بپردازد (الخانی، ۱۹۹۶: ۶۶۹).

۱.۱ نقش خاندان سراج‌الدینی و بارزانی در گسترش طریقت نقشبندیه در کردستان

مولانا خالد در سرزمین قره‌داغ و ۳۰ کیلومتری سلیمانیه دیده به جهان گشود. وی همانند دیگر مریدان که در آن زمان رایج بود، در سن ۱۴ سالگی دیارش را ترک کرد و برای یادگیری علم به نزد بزرگان طریقت مسافرت کرد و اجازه‌نامه ماموستایی را گرفت. به دست آوردن این اجازه‌نامه در سنین نوجوانی، نشانی از ذهن پویا و توانایی درک وی است (حه‌کیم، ۲۰۲۳: ۵۸). وی از نسل پیر مکائیل مشهور به «شش‌انگشت» و از ذریه عثمان بن عفان القرشی بود و نسبش به پیر خضر می‌رسد (فصیح‌الحیدری، ۲۰۲۳: ۴۱). مولانا خالد در کردستان، نوعی اصلاح دینی را مطرح کرد. از دیدگاه وی عقاید و باورهایی که در کردستان وجود دارد اشتباه است و درصدد بود که افکاری نوین را بیافریند. وی کسی است که اسلام را آمیخته با فرهنگ و باور کُردی کرد (شمس، ۱۴۰۱). مولانا خالد توانست علایق پوچ و کهنه را شکست داده و آرای نوینی به وجود آورد. وی علاقه افراد به سرکرده طایفه را از بین برد و می‌گفت که هرکس تابع مذهب خود است و می‌تواند مستقل باشد. در آن زمان بخشی از کردستان در دست صفوی و بخشی در دست عثمانی بود. وی توانست مرز بین این دو را از بین ببرد؛ بدین معنا که نه کرد عثمانی را قبول داشت نه کرد صفوی را؛ بلکه توانست بین آن دو اتحاد برقرار کند (شمس، ۱۴۰۱). بعد از مرگ مولانا خالد نخست برادرزانش شیخ اسماعیل غزی و بعد از او محمد خانی و سپس محمود صائب (برادر مولانا)، توانستند رهبری این طریقت را در شام عهده‌دار شوند (شمس، ۱۳۹۸: ۲). بعد از مرگ وی در بیرون از شام نیز در ۱۳ ذی‌القعدة سال ۱۲۴۲ ق، شصت‌وهفت مرید و شاگرد از او باقی ماند. سی‌وچهار نفر از این مریدان کُرد بودند که وظیفه گسترش طریقت نقشبندیه را در

کردستان عراق بر عهده گرفتند. سرسلسله آن‌ها خاندان سراج‌الدینی بود. سردسته خاندان سراج‌الدینی هم شیخ عثمان بود که به مناطقی چون اورامان، سنندج، کوی سنجاق روانسر و دگاشیخان مریوان سفرها کرد و مردم را به طریقت نقشبندیه دعوت نمود (روحانی، ۱۳۸۵: ۲۷۹). بعد از شیخ عثمان، پسرش محمدبهاء‌الدین نقشبندی عهده‌دار رهبری طریقت نقشبندیه در کردستان شد. وی به سال ۱۲۵۲ق در شهر «تهویل» (شهری در عراق) تولد یافت. مادر وی خورشید خانم از خواتین منطقه سلیمانیه بود. اصول و عقاید تصوف نقشبندیه را نزد پدرش آموخت. در دوره رهبری وی، «خانقاه تهویل» از مردان اهل ذکر و طریقت پُر بود. در این خانقاه بزرگانی چون ملا محمد کاتب مولوی، حاجی ملا احمد نودشه‌ای، ملا علی تالشی و شیخ عبدالرحمن قره‌داغی و حاجی شیخ امینی حضور داشتند. وی در سال ۱۲۸۴ق خانقاهی دیگر در سلیمانیه را که از پدرش به یادگار مانده بود، رونق بخشید (مودرس، ۱۳۸۹: ۷۸). نفوذ و منزلت شیخ محمدبهاء‌الدین در منطقه کردستان به حدی بود که در سال ۱۲۸۶ق، وقتی فرهاد میرزا شاهزاده قاجاری به اورامان لشکر کشید، خوانین و حکام محلی اورامان لهن و اورامان عراق او را واسطه صلح بین خود و سپاه شاهزاده قاجاری قرار دادند (همان: ۸۲). شیخ عبدالرحمن ابوالوفا فرزند دوم شیخ عثمان سراج‌الدینی همراه با شیخ محمد قره‌داغی و ملا فتح‌الله از دیگر مبلغان طریقت نقشبندیه بود که روانه و مقیم شهر بغداد شد و به تبلیغ نقشبندیه در این شهر پرداخت. وی در سال ۱۲۸۵ق در بغداد وفات کرد و در کنار مزار بزرگانی چون ملا یحیی مزووری و شیخ هدایت ههولیری به خاک سپرده شد (همان، ۱۳۸۹: ۳۱۰). شیخ عمر ضیاء‌الدین از دیگر فرزندان شیخ عثمان بود که نقشی مهم در تبلیغ طریقت نقشبندیه ایفا نمود. نزد ملا محمود دشه‌ای مفتی سنندج و ماموستای مسجد دارالاحسان سنندج فقه آموخت و بعد از آن به دستور پدرش به کرکوک رفت. در آنجا نزد شیخ عبدالرحمن خالصی تالبانی که در کرکوک شیخ ارشاد بود، به تصوف پرداخت. مدتی را در مسجد (بلاخ) نزد سید محمد بلاخ تعلیم گرفت و سپس به اورامان بازگشت. وی خانقاه‌هایی را برای ارشاد مریدان خود بنا کرد. در سال ۱۳۰۱ق خانقاهی در گرمیان به نام قزل رباط با چند حجره بنا نهاد و مریدانی چون حاجی ملا محمود جوانرودی و شیخ طائب در آنجا به طریقت پرداختند (مدرس، ۱۳۸۹: ۳۱۱). همچنین در سال ۱۳۰۳ق خانقاهی در خانقین ساخت و شیخ عارف و شیخ حسین و شیخ محمود را به‌عنوان متولیان

آنجا قرار داد. وی همچنین بین سال‌های سال ۱۳۰۶ تا ۱۳۱۴ ق در مناطقی چون «کفری»، «بیاره» و «بیاویله» خانقاه‌هایی برای تبلیغ و ترویج طریقت نقشبندیه و اقامت مریدان خود بنا نهاد (همان: ۱۵۸ و بنه مالیه زایاران: ۳۱۲). شیخ احمد چهارمین فرزند شیخ عثمان سراج‌الدینی، از دیگر افراد این خاندان بود که به ترویج آموزه‌های طریقت نقشبندیه در کردستان پرداخت. اصول تصوف را نزد ملا احمد نوتشه‌ای و ملا حامد و مولوی فراگرفت و طریقت را نزد پدرش آموخت. مدتی به همراه پدرش روانه بغداد شد و بعد از مرگ وی جهت تبلیغ تصوف به منطقه شهرزور در کردستان عراق رفت. وی بعد از انجام سفرهایی به استانبول و انجام حج در مکه، در سال ۱۳۰۴ ق به اورامان بازگشت و در آنجا ساکن شد. در این زمان از مبلغان طریقت نقشبندی در اورامان ایران ملا حامد کاتب فرزند ملا علی بیسارانی بود (موده‌رس، ۱۳۸۹: ۳۱۵ و ۳۴۴).

شاگردان مولانا خالد نقشبندی در ترویج طریقت نقشبندیه در کردستان

نام شیوخ	محل تولد	تاریخ تولد	محل فعالیت و تبلیغ	محل سکونت	تاریخ مرگ	مرگ
بهاء‌الدین نقشبندی	تهویله	۱۲۵۲	سلیمانیه و اورامان لهن	اورامان لهن	-	تهویله
عبدالرحمن ابوالوفا	تهویله	۱۲۵۳	سنندج، هه‌ولیر (اربل)	بغداد	۱۲۸۵ ق	تهویله
عمر ضیاء‌الدین	بیاره	۱۲۵۵	گرمیان، خاتقین، بیاویله، فرابات، بیاره‌کفری	اورامان	۱۳۱۸ ق	بیاره
شیخ احمد	بیاره	۱۲۶۶	استانبول، اورامان	احمد آباد (شهری در حلبچه)		تهویله
شیخ علاء‌الدین	بیاره	۱۲۰۸	سفی آباد (از توابع جوانرود) سنندج و دورود (از توابع سروآباد)، تازه آباد، سوفی بله (از توابع سالال)، سروآباد، روستای نی (از توابع مریوان)، بانه، سقر	بیاره	۱۳۷۳ ق	بیاره
ملا حامد کاتب	بیساران	۱۲۲۵	تهویله، سنندج	سنندج، بیاره، سلیمانیه	۱۳۱۰	بیاره
ملا احمد نودشه‌ای	نودشه (اورامان لهن)	۱۲۲۸	سلیمانیه، نودشه (از توابع اورامان ایران)، سنندج	سلیمانیه، نودشه، سنندج	۱۳۰۲	سنندج

سید عبدالرحیم مشهور به مولوی	سرشانه (از توابع کردستان عراق)	۱۲۲۰ ق	چروستانه، گونه (گونه) از توابع (نه‌ورولی)، کانی که‌وه (از توابع شمیران)، تاوه‌گوزی، سابلاغ (مه‌باداد امروزی)، کرکوک	بیژاوه، تاوه گوزی، کرکوک	۱۲۹۹ ق	کرکوک
شیخ زکریا مهاجر	بست	-	خور خوره، بست	بست	-	بست
سید شاکرم تاوه گوزی	نامشخص	-	برهان، شرافکندی، سولا و کان	جوانرود	-	جوانرود
ملا محمد جلی زاده	کویه	۱۸۷۶	کویه، شیوئاشان	شیوئاشان	۱۹۴۳	شیوئاشان
شیخ امین خال	سلیمانیه	۱۲۶۰	-	-	۱۳۵۰	سلیمانیه
ملا ابراهیم بیاره	بیاره	۱۱۸۵	بیاره	بیاره	۱۲۵۰	بیاره
سید حسن چوری	چور	۱۲۴۳	چور، بیه‌کهره، مریوان	چور	۱۳۲۳	چور
ملا عبدالقادر بیاره	کانی کبود	۱۲۸۵	کوچک چه‌رموو، بیاره	بیاره	۱۳۳۸	بیاره
ملا قادر ملا مؤمن	هه‌له‌بچه	-	قرزابات، سه‌عدیه	قرزابات	۱۳۲۶	قرزابات
شیخ معروف نرگسه چار	نرگسه چار	۱۲۸۰	دولت‌آباد در جوانرود، احمد برنده، سلیمانیه	نرگسه چار	۱۳۳۱	احمدبرنده
ملا ابوبکر مصنفی	چور	-	مریوان، کانی بادا،	چور	-	چور
شیخ سلیم تخته‌ای	سندج	۱۲۸۵	بیاره، سنه	سندج	۱۳۳۳	سندج
شیخ مصطفی تخته‌ای	تخته	۱۵۳۱	سندج	سندج	۱۶۳۷	تخته
شیخ محمد امینی هه ولیری	هه‌له‌بچه	۱۲۶۰	مصر	هه‌له‌بچه	۱۳۳۲	مصر
ملا محمود باکی	نواحی (خور خوره) در اطراف سقز	-	بیاره	بیاره	-	بیاره
ملا محمود جوانرودی	جوانرود	۱۳۰۰	ده‌ره‌تقی، بالک، مریوان	ده‌ره‌تقی	۱۳۵۸	ده‌ره‌تقی
ملا عبدالله عبابلی	نه‌رگسه چار	-	عبابلی	عه‌بابلی	۱۳۵۷	نه‌رگسه‌چار
ملا بهاء‌الدین پیش نماز خانقاه بیاره	دزاور	۱۲۹۴	بیاره	بیاره	۱۳۶۸	بیاره
شیخ عمر ابن القره داغی	سلیمانیه	۱۳۰۳	سلیمانیه	ده‌ره قوله	۱۳۵۵	ده‌ره‌قوله (نزدیک بیاره)

(موده‌رس، ۱۳۸۹: ۳۴۰-۳۱۰)

از دیگر نواحی رواج طریقت نقشبندیه در کردستان منطقه بارزان بود. در این منطقه اعضای قبیله بارزان نقش اساسی ایفا نمودند. بارزان در شمال کردستان عراق شامل منطقه «میرگه سوور» است (به‌رزه نجی بیلاف، ۲۰۰۲: ۱۸۵). این منطقه ناحیه‌ای کوهستانی و مرتفع از کردستان است که بین مرز سه کشور ایران، عراق و ترکیه است (روحانی (شیوا)، ۱۳۷۱: ۵۳۲). بارزان نام یکی از طوایف کُرد است که محل سکونت آن‌ها در بارزان و شمال زاب بزرگ و ناحیه زربیار استان موصل است (صفی زاده بورک‌ی، ۱۳۷۸: ۷۴۳). این طایفه را به چهار خاندان بروژی، مزوری، شیروانی و دوله‌وری تقسیم می‌کنند که رهبران آن‌ها از خاندان بروژی هستند (وان بروئین سن، ۱۳۷۸: ۲۵۲). برخی دیگر از محققان معتقدند نسبت بارزان به این دلیل است که در روستای بارزان سکونت داشته‌اند و این نام برگرفته از طایفه یا خاندانی قدیمی نیست. مشایخ بارزان در اصل از خانواده امیران بودند که در آن میان فردی به نام مسعود از زندگی امیری کناره می‌گیرد و در دامنه کوه‌های زربیار به زندگی فقیرانه و ساده قانع می‌شود و فرزندان وی نیز این طریق را دنبال می‌گیرند. می‌توان گفت که مشایخ بارزان، بزرگ‌ترین نقش را از لحاظ سیاسی و آیینی در جامعه کرد این منطقه ایفا کرده‌اند، چراکه از مبارزترین شیوخ طریقت نقشبندیه بر ضد استعمار بوده و اکنون رئیس اقلیم کردستان عراق و رهبر حزب دموکرات کردستان عراق، مسعود بارزانی، فرزند مصطفی بارزانی از این خاندان هستند (الموصلی، ۱۹۹۵: ۲۸۷). شیخ یوسف برهانی یکی از مریدان شیخ عثمان نقشبندی از اعضای خاندان بارزانی بود که در مناطقی چون مه‌باد توانست به تبلیغ طریقت نقشبندیه بپردازد و تا کنون نیز ادامه دارد (مدرس، ۱۳۶۹: ۴۲۲). این خاندان در یکی از روستاهای اطراف سنندج زندگی می‌کردند که دارای شخصیت‌های بزرگی بوده‌اند. جدّ بزرگ این خاندان عبدالکریم نقشبندی گه‌ون تو (گاو آهن تو) است که از توابع دیواندره است. وی بعد از سیر و سلوک عرفانی به طریقت مولانا خالد نقشبندی درآمد و در مسافرتی با شیخ عثمان دوست شد و این علاقه سبب شد که دختر شیخ عثمان به‌عنوان عروس عبدالکریم پذیرفته شود. بعد از مرگ وی سید نجم‌الدین با دختر شیخ عثمان ازدواج کرد و به روستای امروله بازگشت و در آنجا خانقاه و مسجد بنا کرد و توانست به تبلیغ طریقت نقشبندیه بپردازد. وی همچنین در جریان جنگ با روس‌ها در جنگ جهانی به بی‌پناهان خدمات شایانی کرد (همان: ۳۳۵).

۱.۱.۱. نقش‌آفرینی اجتماعی مشایخ نقشبندیه

خانقاه‌ها و مراکز تجمع صوفیه، به‌عنوان مکانی مقدس، علاوه بر کارکرد دینی و مذهبی، به ایفای نقش اجتماعی و حمایتی از صوفیان، پناهندگان و فقرا هم پرداخته‌اند. خانقاه‌ها مرکز تجمع صوفیان و محلی برای سکونت و تغذیه درویشان بود. در خانقاه‌ها به‌صورت رایگان غذا و مکان خواب در اختیار مسافران، غریبه‌ها و صوفیان قرار داده می‌شد. مشایخ طریقت از طریق نذورات و هدایایی که به‌عنوان شکرگزاری از طرف مردم عادی به خانقاه پرداخت می‌شد، به‌صورت ماهیانه مبلغی به‌عنوان مستمری و کمک‌هزینه معیشت به مریدان و خدمت‌گزاران خانقاه می‌دادند تا مریدان و صوفیان از نظر اقتصادی بتوانند مشکلات زندگی خانواده خود را برطرف نمایند. چنانچه در جنگ جهانی وقتی روس‌ها به ایران حمله کردند، عالمان و مردم عادی به منزل شیوخ رفتند چراکه آن را مأمنی برای خود می‌دانستند. رثوف ضیایی یکی از نویسندگان مشهور در مجموعه خاطرات خود می‌نویسد خود و مادرش و نیز جمعی از علما و مردم حدود ۲۰۰ نفر به منازل یکی از شیوخ به نام علاءالدین سراج‌الدینی (دایی رثوف ضیایی) پناه بردند (زمانی که نیروی روس در نزدیکی میاندوآب و سقر بودند) (ضیایی، ۱۳۶۷: ۵۴-۵۳)، و جنبه بارز ساختار اجتماعی جامعه کردستان مستقیماً با مشکل سازش کشمکش‌های قبیله‌ای پیوند داشت. یکی از این جنبه‌ها وضع و موقعیت سیاسی ممتاز عده‌ای از رهبران طریقت‌ها یعنی شیوخ بوده‌است. پدیده دیگر اینکه بسیاری از رؤسای قبایل بزرگ کردستان که منشأ و تباری به‌جز افراد قبیله داشتند، مدعی بودند که تبار آن‌ها به صحابه پیامبر برمی‌گردد که در تاریخ اسلام نقش‌های مهم ایفا کرده بودند (الغزی، ۱۹۴۹: ۲۵۱). جدا از این مشروعیت مذهبی که چنین نسب‌نامه‌ای بدان‌ها می‌داد، همین امر که رئیس قبیله با افراد قبیله نسبت خویشاوندی نداشت وی را در منازعه و کشمکش بین خاندان‌ها و دودمان‌های قبیله مافوق طرف‌های متنازع جای می‌داد و به وی وضع و موقعیتی را می‌داد که بتواند در کشمکش‌ها پادرمیانی کند. قدرت بسیاری از رؤسای قبایل ناشی از همین موقعیت بود. خارج بودن شیوخ از سازمان قبیله‌ای از این هم بارزتر بوده و دقیقاً به همین علت بود که بسیاری از آن‌ها توانسته بودند نقش‌های اساسی در حیات قبیله ایفا کنند. بسیاری از شیوخ، پیوندی با هیچ‌یک از قبایل منطقه نداشتند. بنیان‌گذاران سلسله‌های مشایخ خود را در مقام آموزگاران مذهبی مناطق دور از سرزمین زادبومی خود

مستقر کرده بودند و همین خود، باور مردم را به این عده که می‌گفتند بی‌طرفاند و علایق مشترکی با هیچ قبیله خاصی علیه دیگری ندارند، تقویت کرده بود. این مطلب هر اندازه درست یا نادرست باشد، شیخ ادعا داشت یا وانمود می‌کرد که به علایق دنیا دلبستگی ندارد به همین خاطر مدعی آن بود که خود را وقف طاعت و عبادت خدا و حفظ دین و ثبات جامعه مؤمنان کرده‌است. این شیوخ که چیزی بیش از علمای دین و آموزگاران مذهبی بودند در مقام آموزگاران عرفان نیز واسطه بین خدا و خلق خدا به شمار می‌رفتند. در بیشتر مواردی که کشمکش‌های قبیله‌ای با موفقیت به سرانجام می‌رسید، مدیون وساطت شیوخ بودند. بنابراین نقش «آشتی‌دهنده» شیوخ، به‌نوبه خود نفوذ و موقعیت سیاسی و اجتماعی آن‌ها را بالا می‌برد و در افزایش شمار مریدانشان مؤثر بود (بایزیدی، ۱۳۶۹: ۹۲). به‌عنوان نمونه زمانی که میان مردم دو روستای ژویار و دورود (دو روستا در شهرستان سروآباد) به دلیل تعیین مرز اراضی دیم، جنگ و منازعه درگرفته بود، با میانجی‌گری شیخ عثمان نقشبندی این اختلاف و درگیری خاتمه گرفت (همان).

رهبران اهل طریقت به جهت نقش‌های متنوع اجتماعی محل رجوع و اعتماد مردم بودند تا بدان حد که والیان و روحانیون نیز در تصمیم‌گیری‌های بزرگ از آن‌ها مشورت می‌خواستند. به‌عنوان نمونه، زمانی که ثقة‌الملک می‌خواست اهداف خود را در دوران مشروطه به انجام برساند، از شیخی به نام آیت‌الله مردوخ که در آن زمان امام‌جمعه سنندج و یکی از رهروان شیخ حسام‌الدین سراجی بود، کسب اجازه کرد و برای راهنمایی به نزد وی رفت (مردوخ، ۱۳۷۹: ۴۷۲). همچنین شیوخ نقشبندیه در کردستان، در کارهای عام‌المنفعه‌ای چون بنای مدرسه و خانقاه و احداث پل شرکت داشتند. از جمله می‌توان محمدصادق مرزنگ نقشبندی را نام برد که با ساختن پلی بر رودخانه زاب، سبب شد که بعد از مدت‌های طولانی، اهالی روستا با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. بعدها این پل را به نام پل مولانا تغییر دادند. همچنین می‌توان ساخت پلی را به نام پل سنخ در نزدیکی روستای قره‌قشلاق و بر روی رودخانه مهاباد ذکر کرد (خوانچه سپهرالدین، ۱۳۶۸: ۲۳۹). ساخت مسجد سقز توسط شیخ حسام‌الدین از دیگر فعالیت‌های عام‌المنفعه شیوخ نقشبندی بود. شیخ حسام‌الدین که از بانفوذترین مشایخ نقشبندیه بود، مساجد زیادی را در جاهای مختلف بنا کرد. همچون مسجد

خورمال، ههباس‌آوا (عباس‌آباد) و مسجد نوین. مشایخ نقشبندیه گاهی هزینه خوراک و مسکن و پوشاک طلاب مدارس دینی را نیز می‌دادند. شیخ عمر ضیال‌الدین نانویی‌ای داشت که مقداری از نان را همواره در بین مستمندان تقسیم می‌کرد (هه ورامانی، ۱۳۸۴: ۱۰۴۰ و ۴۵۶). چنین اعمال پسندیده‌ای سبب جذب اهالی کردستان به فرقه نقشبندیه و بالا رفتن وجهه اجتماعی رهبران طریقت در بین عامه می‌شد.

خانقاه‌ها مراکز اجتماع و دیدرار مردم با رهبران و نمایندگان طریقت نقشبندیه بودند. پیروان شیوخ نقشبندیه در بین مردم کردستان به‌طور منظم و مرتب به خانقاه‌ها می‌رفتند و با خلفای رهبران طریقت دیدار کرده و در مجالس ذکر آن‌ها شرکت می‌کردند. اغلب، یک قبیله خود را مرید یک شیخ خاص می‌دانست. به‌عنوان مثال دو قبیله اطراف مهاباد، مامش و منگور، اولی مرید غوث‌آباد (یعنی شیخ بابا سعید و جانشینان او) و دومی مرید خانقاه کرپچنه مهاباد بوده‌اند (روستای یکی دیگر از شیوخ قادری). مردمان عادی اگر اقامتگاه شیخ دور نبود، سالی یکی دو بار به زیارتش می‌رفتند و هدایای نقدی یا جنسی برایش می‌بردند. اگر بچه‌ای بیمار و یا زنی نازا بود، یا سفر طولانی در پیش بود، به زیارت شیخ می‌رفتند و از او «دعا» می‌خواستند. شیوخ نقشبندیه به اعتبار منزلت اجتماعی‌شان در نزد مردم، دارای نقش قضایی معطوف به حل‌وفصل دعاوی هم بودند. هنگام وقوع اختلافات بین مردم، از کشمکش‌های بر سر ارث تا منازعات و کشمکش‌های خونی که طی آن‌ها چندین تن کشته می‌شد، شیوخ محل رجوع بودند و از آن‌ها خواسته می‌شد در اختلافات پیش‌آمده پادرمیانی یا داوری کنند. بسیاری از شیوخ در میان قبایل متعدد مرید داشتند و به این ترتیب می‌توانستند در حل‌وفصل منازعات بین مردم نقشی ایفا کنند. این شیوخ اغلب نقطه‌ای مناسب را در مرز بین قبایل معارض برای اقامتگاه خود انتخاب می‌کردند (وان برویین سن، ۱۳۸۳: ۳۵۲-۳۵۱).

شیوخ نقشبندیه در کنار نقش‌های عام‌المنفعه اجتماعی، در ترویج علوم و معارف دینی و صوفیه در بین عامه مردم کردستان به‌واسطه ترجمه برخی متون دینی (ازجمله مثلاً کتاب‌های منهج و تحفه) به زبان مردم محل سهیم بودند. مولانا محمدصاق مرزنگ به علم و علم‌اندوزی توصیه زیاد می‌کرد. از این‌رو برخی از فقه‌دانان را مأمور کرد که متونی چون

«تحفه» ابن حجر و «منهاج» را که از منابع معتبر فقه شافعی است، به زبان کُردی ترجمه کنند تا عامه نیز بتوانند از آن استفاده کنند (خوانچه سپهرالدین، ۱۳۶۸: ۲۳۷). در بین کسانی که از فرقه نقشبندیه تبعیت می‌کردند، برخی افراد بودند که علاقه و استعداد در زمینه شاعری و علوم دیگر داشتند. این افراد توانستند مبانی ادبیات صوفیانه کُردی را رواج دهند. از جمله این افراد در کردستان می‌توان به ملا حامد کاتب اشاره کرد که در اوایل، راه طریقت را از شیخ عثمان نقشبندی آموخت و سپس به نویسندگی پرداخت. آثار وی شامل شش کتاب است که اهم آن‌ها عبارت‌اند از: تفسیر مثنوی مولانا که در سه جلد آمده، درباره حیات شیخ مولانا و شیخ عثمان اول، شرحی بر گلشن راز شبستری و ریاض‌المشتاقین. البته هیچ‌یک از آثار وی به چاپ نرسیده‌اند. از دیگر شاعران و نویسندگان طریقت نقشبندیه، می‌توان به ملا عبدالکریم مدرس، شیخ احمد شاکلی، شیخ عمر ضیاءالدینی با تخلص «فوزی» و فرزندش به نام شیخ نجم‌الدین با تخلص «کوکب» اشاره کرد. این افراد در ترویج آموزه‌های تصوف در قالب شعر به زبان کُردی نقش اساسی داشتند (خوانچه سپهرالدین، ۱۳۶۸: ۹۵).

۲.۱.۱. نقش سیاسی شیوخ نقشبندیه در کردستان

یکی از ویژگی‌های رهبران و مبلغان طریقت نقشبندیه تعامل و سازگاری آن‌ها با حکام و قدرت‌های سیاسی محلی و منطقه‌ای بود. امرا و حکام محلی کردستان و حکومت‌های قاجاری و عثمانی مهم‌ترین بازیگران سیاسی در منطقه کردستان بودند. به جهت رابطه مسالمت‌آمیزی که مولانا خالد با حکام محلی بابان و اردلان داشت، از مریدان خود درخواست می‌کرد که با حکام مذکور تعامل داشته باشند و حکومت‌های محلی هم جهت کسب مشروعیت در نزد مردم محل، علاقه‌مند به روابط دوستانه با شیوخ نقشبندی بودند (دیوان‌بیگی، ۱۳۸۲: ۱۲۵). طی سده‌های دوازدهم و سیزدهم هجری، در اثر رقابت‌های داخلی و سیاست‌های مقابله‌ای حکومت‌های عثمانی و قاجاریه، امارت‌های محلی کرد دچار ضعف و فروپاشی شد و گونه‌ای خلأ سیاسی در منطقه کردستان پدید آمد. این وضعیت موجب افزایش نفوذ و قدرت سیاسی شیوخ نقشبندی در میان قبایل کرد و ترکمان شد. سالارالدوله، برادر ناتنی محمدعلیشاه، یکی از افرادی بود که در دوره مشروطیت، جهت

مقابله با مشروطه‌خواهان چندین بار به کردستان آمد و درصدد جلب توجه و همراهی مشایخ نقشبندی برآمد. شیوخ سراج‌الدینی و در رأس آن‌ها شیخ علاءالدین و شیخ حسام‌الدین به جهت داشتن پیروان زیاد، بیشترین نفوذ و قدرت اجتماعی را در کردستان داشتند (پوراملشی؛ جوانمردی، ۱۳۹۶: ۸۵).

یکی از تحولات سیاسی که موجب ورود شیوخ نقشبندیه به مسائل و امور سیاسی و نظامی شد، وقوع جنگ اول جهانی و مداخلات دولت‌های خارجی، خصوصاً قوای غیرمسلمان روسیه در کردستان بود. در این زمان کردستان به منطقه جدال و تقابل عثمانی و نیروهای آلمانی با روس‌ها تبدیل شد. آلمانیان و نمایندگان دولت عثمانی با استفاده از تبلیغات محلی و ارتباط با شیوخ نقشبندیه نقش اساسی در همراه ساختن مردم کردستان علیه قوای روس و انگلیس داشتند (لازاریف و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۵۸). مشایخی چون شیخ علاءالدین در نواحی سنندج و شیخ نجم‌الدین و شیخ حسام‌الدین در اطراف سقر و بوکان از مریدان خود خواستند که به مبارزه با قوای روس برخیزند (موفتی، ۲۰۰۱: ۱۲۰). طی جنگ اول جهانی، اکثر شیوخی که در کردستان بودند، همراه با علما و روحانیون منطقه به مردم می‌گفتند که جنگیدن با سپاه روس ضروری و همانند جهاد است چراکه هدف آن‌ها تصرف خاک مسلمانان و نیز مبارزه با اسلام است (روسته، ۲۰۰۴: ۴۲). از مهم‌ترین شیوخ جهادگر و مبلغ نقشبندی می‌توان به شیخ نجم‌الدین و شیخ حسام‌الدین اشاره کرد که در مناطق سقر و بوکان بر ضد روس‌ها مبارزه می‌کردند (موفتی، ۲۰۰۱: ۱۱۹). به گفته تیمورزاده، تاجر فعال سقری «بازار صوفی و درویش و مشایخ طریقت و علما و سادات بسیار رواج داشت» تا جایی که مردم ساده با یک دستور از شیخ به جهاد می‌رفتند (تیمورزاده، ۱۳۸۰: ۳۵). در سال ۱۳۳۵ق زمانی که لشکر روسیه تزاری می‌خواست مناطق اورامان و مریوان را متصرف شده و به سلیمانیه برسد، مردم آن مناطق به جهت ناتوانی حکام محلی، با پیشگامی شیوخ نقشبندی در مقابل سپاه روس ایستادند و آن‌ها را تا پشت کوه آیدر در سنندج عقب راندند. شیخ علی حسام‌الدین، شیخ جلال حسینی نقشبندی، شیخ یوسف شمس‌الدین برهانی، شیخ بابا حکیم سید زنبیل، ملا محمدسعید از علمای مکرری با تشکیل جلساتی به بسیج و سامان‌دهی نیروهای محلی جهت مقابله با سپاهیان روس پرداختند (پوراملشی و جوانمردی، ۱۳۹۴: ۴۲). شیوخ نقشبندیه، شیخ جلال حسینی نقشبندی را به‌عنوان رهبر مجاهدان محلی

برگزیدند و با کمک و همراهی مردم توانستند در مقابل نیروهای روسیه ایستادگی کنند. شیخ جلال حسینی نقشبندی با جلب کمک نیروهای نظامی عشایر و قبایل کرد چون شکاک، گهورکف منگور، پیران و مامه‌ش، نقش اساسی در مقابله با روس‌ها داشت (حسینی نقشبندی، ۱۳۸۰: ۱۱۵ و ۱۱۷).

در این زمان عشایر و قبایل کرد چون پیران، مامه‌ش، منگور، دیوکری، موکری، دهیکری، گاوریگ، زارزا، شکاک، پیران، جاف و امیرنشین‌های کرد بابان ۱۸۴۷م، هکاری ۱۸۴۷م، بادینان ۱۸۴۸م و اردلان ۱۸۴۸م عموماً قدرت و نیروی محلی لازم برای تأثیر گذاری در تحولات سیاسی را نداشتند (جهلیل، ۱۹۸۷: ۱۲۶). در چنین شرایطی شیخ جلال حسینی نقشبندی در نقش شخصیت دینی و اخلاقی اثرگذار با استفاده از جایگاه اجتماعی‌اش، اتحاد نوینی میان عشایر کرد به وجود آورد. در فضای خلأ سیاسی پدیدآمده، شیوخ نقشبندیه با توجه به علایقی که مردم نسبت به مذهب و امور مذهبی داشتند، توانستند با ساخت خانقاه و بارگاه‌ها پیروان بیشتری برای خود پیدا کنند و نیروهای اجتماعی کردستان را نظم و انسجام بخشند (نه‌جاتی، ۲۰۰۴: ۲۰). خلأ قدرت سیاسی ناشی از ضعف حکام محلی در جامعه کردستان موجب گسترش نفوذ شیوخ در میان قبایل کرد شد. آن‌ها توانستند نقش میانجی‌گری در حل‌وفصل مناقشات بین قبیله‌ها و خانواده‌ها را ایفا کنند و این امر نقشی مهم در اعتماد و اقبال عمومی مردم نسبت به رهبران طریقت نقشبندیه داشت (مک‌داول، ۱۳۸۳: ۱۱۶).

با زوال قدرت سیاسی حکومت‌های محلی، مشایخ طریقت، قدرت زیادی پیدا کردند و با افزایش قدرت سیاسی آنان، شورش‌ها و قیام‌هایی علیه حکومت مرکزی قاجار صورت گرفت. مشایخ بارزان و سادات نه‌ری از طریق شبکه طریقت و تقویت همبستگی میان مردم غیرقبیله‌ای توانستند به مقام ریاست قبایل دست یابند و با برقراری اتحاد میان قبایل مختلف، جمع به‌هم‌پیوسته‌ای تشکیل دادند. به‌طوری‌که قیام شیخ عبیدالله نه‌ری علیه حکومت قاجاریه نمودی از قدرت‌گیری مشایخ طریقت نقشبندیه در کردستان بود (قدیمی و عبداللهی، ۱۳۹۸: ۲۴۴-۲۴۵). شیخ عبیدالله، فرزند سید طه، از بزرگ‌ترین رهبران فرقه نقشبندی در کردستان عثمانی و ایران در نیمه دوم قرن نوزدهم بود. او با استفاده از تحولات

ایجادشده در ساختار سیاسی اقتصادی دولت عثمانی، توانست توان سیاسی، اقتصادی و نیز نفوذ معنوی خود را افزایش دهد. او پس از جنگ روسیه و عثمانی در سال‌های ۱۲۹۵-۱۲۹۴ق به بزرگ‌ترین رهبر قدرتمند در کردستان عثمانی تبدیل شد. شیخ عبیدالله نقشبندی با استفاده از توان بالقوه و نفوذ فراوان خود در راستای بسیج توده‌ها و ایجاد شبکه‌های گسترده از مریدان و خلیفه‌ها در دو سوی مرز ایران و عثمانی، اتحادی شکننده از اقشار مختلف گرد ایجاد نمود و از این طریق درصدد برآمد حکومتی مستقل تأسیس نماید. وی در شعبان و رمضان ۱۲۹۷ق. سران اقشار مختلف گرد ایران و عثمانی را به مرکز قدرت خود یعنی روستای نه‌ری دعوت کرد و نیت خویش را در ایجاد حکومتی مستقل اعلام کرد. شیخ سرانجام در ابتدای شوال ۱۲۹۷ق در دو جبهه وارد مناطق کردنشین آذربایجان شد و شهرهای اشنویه، ساوجبلاغ (مهاباد کنونی)، میاندوآب را تصرف کرد و توانست شهرهای مراغه، بناب و ارومیه را برای مدتی محاصره و غارت نماید. دولت ایران با اعزام نیروی فراوان و صرف هزینه گزاف شورش او را سرکوب نمود. این قیام به جهت ویرانی‌ها و قتل و غارت‌هایی که در پی داشت، برای مدت‌ها موجب تنزل جایگاه اجتماعی شیوخ و بی‌اعتمادی مردم نسبت بدان‌ها شد. حکام ایرانی قاجاریه نیز تا مدت‌ها پس از شورش از اهداف اصلی شیخ برداشت صحیحی نداشتند و اقدام او را نوعی تجاوز سرحدی تعبیر می‌کردند (دهقانی، ۱۳۹۸: ۵۳).

نتیجه

از میان طریقت‌های صوفیه که در جهان اسلام رواج داشت، طریقت نقشبندیه است. این طریقت در کردستان نیز رواج بیشتری پیدا کرده‌است. دوره گسترش طریقت نقشبندیه در کردستان به قرن سیزدهم هجری قمری بازمی‌گردد. مشایخ نقشبندیه با حکومت‌ها روابط مسالمت‌آمیزی داشتند و این خود سبب شد افراد زیادی به این طریقت گرایش پیدا کنند. وضعیت اجتماعی کردستان در این دوره نیز در رشد نقشبندیه نقش داشت چراکه در این زمان، امرای محلی در اثر سیاست‌های دولت عثمانی و قاجاریه قدرت خود را از دست داده بودند و رهبران طریقت توانستند جایگزین قدرت‌های محلی در ارتباط با مردم شوند و بدین شیوه، قدرت اجتماعی و سیاسی خود را تقویت کنند. مشایخ طریقت نقشبندیه توانستند با

انجام کارهای عام‌المنفعه چون ساختن پُل، مسجد، و خانقاه در میان مردم نفوذ کنند. خانقاه‌ها و مراکز تجمع صوفیه، به‌عنوان مکانی مقدس، علاوه بر کارکرد دینی و مذهبی، به ایفای نقش اقتصادی و حمایتی از صوفیان، پناهندگان و فقرا پرداختند. خانقاه‌های طریقت نقشبندیه در بحران‌های اقتصادی و ناامنی‌های اجتماعی، محل رجوع مردم و مرکز رواج اندیشه‌ها و تعالیم تصوف بود. با گسترش طریقت‌های صوفیانه در کردستان، شیوخ آن‌ها با جلب سران عشایر و تعیین خلفا و جانشینان خود در نقاط مختلف کردستان، مناطق کردنشین را مانند شبکه‌ای متصل‌به‌هم درآوردند که همه کُردها در دایره این شبکه قرار می‌گرفتند. اگرچه علمای دینی کردستان، طریقت‌های صوفیانه را تأیید نکردند اما توده‌های مردم کُرده به‌طور گسترده و با آغوشی باز تصوف را پذیرا شدند. این وضعیت آن‌چنان گسترده بود که در اوایل قرن چهاردهم هجری در مناطق کُردنشین، تعداد تکایا و خانقاه‌های متصوفه با مساجد برابری می‌کرد.

منابع

الف) منابع فارسی

کتاب‌ها

- ابریشمی، عبدالله (۱۳۸۵). *هویت تاریخی و مشکلات کنونی مردم کرد، تهران: آناو*
- بایزیدی، محمود (۱۳۶۹). *آداب و رسوم کردان، ترجمه عزیز محمدپور داشبندی، به سعی و اهتمام الکساندر ژابا، تهران: میعاد.*
- پارسا، محمد بن محمد (۱۳۵۴). *رساله قدسیه، تصحیح ملک محمد اقبال، راولپندی: مرکز تحقیقات ایران و پاکستان.*
- تیمورزاده، تیمور (۱۳۸۰). *وحشت در سقز، نگاهی به تحولات کردستان در فاصله جنگ جهانی اول تا اعاده اقتدار دولت مرکزی، به کوشش مهناز محسنی، تهران: پژوهش شیرازه.*
- حسینی نقشبندی، عبدالرحمن (۱۳۸۰). *سادات نقشبندی و جنبش‌های ملی کرد در گذر زمان، ترجمه محمد بانه‌ای، ارومیه: مؤسسه انتشاراتی حسینی.*
- جامی، نورالدین عبدالرحمن (۱۳۷۰). *نفحات‌الأنس من حضرات‌القدس، تصحیح دکتر محمود عابدی، تهران: اطلاعات.*
- خوانچه سپهرالدین، ابوبکر (۱۳۶۸). *زندگی‌نامه عارف ربانی حضرت شیخ یوسف ملقب به شمس‌الدین برهانی، بی‌جا: مرکز نشر فرهنگ و ادبیات کردی و انتشارات صلاح‌الدین ایوبی.*
- دیوان بیگی، میرزا حسین خان (۱۳۸۲). *خاطرات دیوان بیگی (میرزا حسین خان دیوان بیگی) از سال‌های ۱۳۱۷-۱۳۲۵ ق (کردستان و طهران)، به کوشش ایرج افشار و محمد رسول دریاگشت، تهران: اساطیر.*
- دهقانی، رضا (۱۳۹۸). *تاریخ مردم ایران در دوره قاجار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه.*
- روحانی، کمال (۱۳۸۵). *تاریخ جامع تصوف کردستان، پیرانشهر: سامرند.*

- روحانی (شیوا)، بابا مردوخ (۱۳۷۱). *تاریخ مشاهیر گُرد*، تهران: سروش.
- شیروانی، زین العابدین (۱۳۵۹). *بستان‌السیاحه*، تهران: افسر
- شمس، اسماعیل (۱۳۹۸). *خالد نقشبندی*، بی‌جا.
- شمس، اسماعیل (۱۴۰۱). *زنجیره یازدهم از وینار درباره خالد نقشبندی*.
- ضیایی، رئوف (۱۳۶۷)، *یادداشت‌هایی از کردستان*، به کوشش عمر فاروقی، ارومیه: مرکز نشر ادبیات و فرهنگ گُردی.
- کریمیان سردشتی، نادر (۱۳۸۱). *تذکره عرفای کردستان*، تهران: نگاه سبز.
- مردوخ کردستانی، محمد (۱۳۷۹). *تاریخ مردوخ*، تهران: کارنگ.
- مک داوُل، دیوید (۱۳۸۳). *تاریخ معاصر کرد*، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران: پانیزد.
- میمنت آبادی، فرهاد (۱۳۸۸). *کردستان و مشروطه*، سنج: پرتو بیان.
- واعظ کاشانی، مولانا فخرالدین علی بن حسین (۱۳۴۰). *رشحات عین‌الحیات*، با مقدمه و حواشی و تعلیقات دکتر علی‌اصغر معینیان، تهران: بنیاد.
- وان برویین سن، مارتین (۱۳۷۸). *جامعه‌شناسی مردم گُرد (آقا، تُسیخ و دولت)*، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران: پانیزد.
- یاسمی، رشید (۱۳۶۶). *گُرد و پیوستگی نژادی و تاریخی او*، تهران: امیرکبیر.

مقالات

- اژه‌ای، تقی و صائب، غلامعباس (۱۳۹۸). تحلیل نقش آراء و آثار خواجه محمد پارسا در طریقت نقشبندیه، *پژوه‌های ادب عرفانی*، ۱۳(۳)، ۶۵-۹۰.
- الهیاری، فریدون؛ نورائی، مرتضی و رسولی، علی (۱۳۸۸). طریقت و تجارت؛ کارکردهای تجاری نقشبندیه در دوره تیموری، *تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)*، ۱۹(۴)، ۱-۴۰.
- برومند اعلم، عباس و حسن خانی، عباس (۱۳۹۴). تأثیر آموزه‌های تصوّف بر مقتل‌نگاری واعظ کاشفی در روضه‌الشّهدا. *تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام*، ۶(۱۰)، ۱-۳۲.

- پرنیانی، میلاد؛ دین‌پرست، ولی و صدری، منیژه (۱۳۹۸). نقش علمای نقشبندیه در امور اجتماعی قرن نهم با تأکید بر مشی دنیاگرایی در عین دنیاگریزی، *تاریخ*، ۱۴ (۵۴)، ۱۸-۱.
- پورمحمدی املشی، نصرالله و جوانمردی، علیه (۱۳۹۴). نقش و جایگاه مشایخ طریقت در تحولات تاریخ معاصر کردستان. *پژوهش‌نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی*، ۴ (۲)، ۱۱-۲۸.
- پورمحمدی املشی، نصرالله و جوانمردی، علیه (۱۳۹۶). نقش شیوخ اورامان در تحولات سیاسی تاریخ معاصر، با تکیه بر جنگ جهانی اول. *پژوهش‌نامه تاریخ‌های محلی ایران*، ۵ (۲)، ۸۱-۹۶.
- حاجیان‌پور، حمید و پیروزان، هادی (۱۳۹۵). طریقت ذهبیه در عصر صفوی. *تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام*، ۷ (۱۳)، ۵۰-۲۵.
- حضرتی، حسن (۱۳۷۵). نقش سیاسی اجتماعی نقشبندیان در قرن نهم هجری در ماوراءالنهر. *کیهان اندیشه*، ۶۷ (۶۷)، ۱۴۵-۱۵۸.
- زارعی مهرورز، عباس (۱۳۹۴). بررسی تأثیرات سیاسی اجتماعی طریقت‌های کردستان در آغاز سده بیستم، *تحقیقات تاریخ اجتماعی*، ۵ (۹)، ۶۵-۸۲.
- شکاری نیری، جواد (۱۳۸۵). حرفه نقشبندی، فرقه نقشبندی، نقشبندان عارف، عارفان نقشبند، *کتاب ماه هنر*، ۹۳ (۹۳)، ۴۶-۴۰.
- عظیمی، کیومرث؛ چلونگر، محمدعلی و منتظرالقائم، اصغر (۱۳۹۳). طریقت‌های صوفیه؛ عامل همگرایی کردها به تشیع در کردستان از سال ۹۰۷ تا ۱۴۰۰ قمری، *پژوهش‌های تاریخی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، ۶ (۴)، ۴۲-۱۷.
- قدیمی قیداری، عباس و رضا عبداللهی (۱۳۹۸). نقش روسیه در شکست جنبش شیخ عبیدالله شمزینی. *جستارهای تاریخی*، ۱۰ (۲)، ۲۳۹-۲۶۳. Doi: 10.30465/hcs.2019.5373
- قدیمی قیداری، عباس و عبداللهی، رضا (۱۳۹۹). نقش عوامل داخلی در ناکامی جنبش شیخ عبیدالله شمزینی. *تاریخ اسلام*، ۱۰ (۳۷)، ۶۵-۸۴. Doi: 10.29252/isihistory.1.37.65

- کاظمی بیکی، محمدعلی؛ معصومی، محسن؛ آرامجو، علی و ساپاریکونا، سیزدیکاوا ژبیک (۱۳۹۸). شیوخ نقشبندی و سیاست در دوره تیموری (با تأکید بر عملکرد سیاسی عبیدالله احرار)، پژوهش‌نامه تاریخ تمدن اسلامی، ۵۲(۱)، ۱۵۵-۱۲۷.
- لعل شاطری، مصطفی (۱۳۹۳). جایگاه موسیقی نزد اقطاب نقشبندیه (مطالعه موردی عبدالرحمان جامی)، تاریخ تمدن اسلامی، ۴۷(۱)، ۹۵-۱۲۳.
- نادری رمضان‌آباد، امین؛ بحرانی‌پور، علی؛ خسروبیگی، هوشنگ و قییم، بهادر (۱۳۹۹). ساختار فرهنگی، هنری و اقتصادی خانقاه‌ها در فرایند رشد مریدان صوفیه ایلخانان ایران، هنر اسلامی، ۱۶ (۳۷)، ۳۳۵-۳۱۷.

ب) منابع عربی

- ابن عابدین (۱۳۰۱). سل الحسام الهدی لنصره مولانا خالد النقشبندی، دمشق: بی‌نا.
- الموصلی، منذر (۱۹۹۵). عرب و اکراد، دمشق: طبع فی دارالعلم.
- الخانی خالدی نقشبندی، عبدالحمید بن محمد (۱۹۹۶). الكواكب الدرّیه علی الحدائق الوردیه فی اجلاء السادات النقشبندیه، تصحیح محمد الخالد الخرسه، دمشق: دارالفکر.
- صلاح الهاشمی، فرید (۲۰۰۸). الطریقه النقشبندیه بین ماضیها و حاضرها، اسطنبول: دارالعبر للطابعه و النشر.
- فصیح الحیدری، ابراهیم (۲۰۲۳). مختصر کتاب المجد التالد فی مناقب الشیخ خالد.
- نوری طوباش، عثمان (۲۰۱۷). السلسله الذهبیه الطریقه النقشبندیه، اسطنبول: دارالأرقم.
- المدرس، الشیخ عبدالکریم (۱۳۸۹). تذکار الرجال مشایخ هورامان النقشبندیون و بعض من ابرز مریدهم و منسوبهم، بغداد: دارالفکر.
- المدرس، الشیخ عبدالکریم (۱۳۶۹). علماءنا فی خدمه العلم والدين، بغداد: دارالحریه للطابعه.
- الغزی، نجم‌الدین (۱۹۴۹). الكوكب السائر باعیان المنه العاشره، حقه و ضبط نصبه جبرائیل سلیمان جبور، لبنان: مطبعه المرسلین.

ج) منابع کُردی

- بورک‌بئی، که مال و فه‌تحتی، عه‌لی (۱۳۷۸). کورد و کوردستان، هه‌ولیر: مناره
- حه‌کیم، هه‌لکه‌وت (۲۰۲۳). مه‌ولانا خالید سه‌رهیلدانی ریباز و ریکخه‌ر، انتشارات پیره‌میرد
- جه‌لیل، جاسم جه‌لیل (۱۹۸۷). راپه‌رینی کورده‌کان سالی ۱۸۸۰، به‌غدا: الزیان
- روسته‌م، ایوب (۲۰۰۴). هه‌ورامان، به‌رگی یه‌کم، سلیمانی: دیلان.
- ره‌ئوف قه‌زاز، نازاد (۱۹۸۸). ئسیخی گه‌یلانی، به‌غدا: چاپخانه‌حوادث.
- لازاریف، سیرجی نیکولیفیتش و دیگران (۱۳۸۷). میژووی کوردستان، هه‌ولیر: روزه‌ه‌لات.
- موفتی، شیخ‌موحسن (۲۰۰۱). گه‌وه‌ری حه‌قیقه‌ت، هه‌ولیر: زانکوی صلاح‌الدین.
- موده‌رس، عبدالکهریم (۱۳۸۹). بنه‌ماله‌ی زانیاران، سنه: کانی
- نه‌جاتی، عه‌بدوللا (۲۰۰۴). ئسیخ عه‌بدوللای نه‌هری له‌به‌لگه‌نامه‌کانی فره‌نسییدا (۱۹۹۲-
۱۸۷۹)، سلیمانی: مه‌کته‌بی‌بیبیر و هوشیاری (ی.ن.ک)
- هه‌ورامانی، محه‌ممد ئه‌مین (۱۳۸۴). میژووی هورامان، تهران: بلخ.
- بیلاف، عبدالرحمان (۲۰۰۱). ئسیخ عبدالقادر گیلانی ژیان و به‌ره‌م، هه‌ولیر: موکریان.